

کردیم. برق اتصالی کرده بود.»

او آن شب هم مثل بقیه شب‌ها ساعت ۸ کرکره مغازه‌اش را پایین می‌دهد و راه خانه را در پیش گیرد. نمی‌داند قرار است یک ساعت بعد خبر سوختن سرمایه‌اش را به او بدهند تا وقتی خودش را می‌رساند، فقط تلی از خاکستر و اجناس سوخته تحویل بگیرد.

۱۵۰ میلیون خسارت

مغازه خودشان حدود ۱۵۰ میلیون خسارت دیده است که فکر می‌کند شاید حدود دوسه سال زمان لازم دارد تا جبران‌ش کنند ولی برآوردش از کل حادثه، حدود ۴۰۰ میلیون است. یک ربع آتش می‌تواند سرمایه چند نفر را به راحتی خاکستر کند. ادامه می‌دهد: «ما برق‌ها را خاموش کرده بودیم. کارشناس آتش‌نشانی گفت از پشت کنتور بوده است. سراها، کنتورهای قدیمی دارد و بعضی‌هایش از زمان ساخت،

عوض نشده است.»

حدود هشت سال است در این سراها کارش همین است؛ پوشاک زنانه می‌فروشد و تابه حال چنین اتفاقی ندیده است.

۲۵۰ هزار تومان، هزینه بیمه

او حالا مغازه‌اش را بیمه کرده است. حدود ۲۵۰ هزار تومان، هزینه سالانه بیمه است تا اگر اتفاقی افتاد، حداقل امید به گرفتن خسارت از جایی داشته باشد؛ البته از تعامل بیمه با همسایه‌اش که نیمی از مغازه‌اش سوخته است، راضی نیست و می‌گوید: «پول بساط بیرون از مغازه‌اش را که سوخته است، ندادند، فقط چهار چوب مغازه بیمه می‌شود. خسارت داخل مغازه را هم تمام و کمال نمی‌دهند.»

اجناسی را که نایلون ندارند، همین که بوی دود بگیرند، به قیمت نمی‌خرند. همسایه سمت چپ، لباس بچگانه دارد. اگر چه آتش به آنجا سرایت نکرده، سیاهی دودش بر آن‌ها نشسته است و حالا مجبور است همه لباس‌هایش را با قیمت‌های ۲ تا ۵ هزار تومان بفروشد تا روی دستش نماند.

ابوالفضل که انگار هنوز از زیر بار فشار روانی این اتفاق بیرون نیامده است، می‌گوید: «از تابلو تا چادر مغازه عوض شده. بیشتر از یک هفته است که داریم جمع می‌کنیم ولی هر جا را درست می‌کنیم، هنوز جای دیگری می‌لنگد.»

این بار سرای ۱۰

آتش در سرای ۲ خاموش شد و با تمام خسارت‌های روحی و مادی‌ای که داشت، کسبه به زندگی عادی برگشتند اما مسئله نگران‌کننده، تکرار این اتفاق بود. این بار در سرای ۱۰، طبقه سوم، انبار کفش. این بار هم دلیل را اتصال برق می‌گویند؛ همان دلیل آتش‌سوزی برج سلمان. به آنجایی رویم. محل آتش‌سوزی انبار کفش است که درش بسته است. همسایه‌شان می‌گوید: «حدود ظهر بود که دیدم دود از مغازه بلند شده است. سریع شیشه‌ها را شکستم و آتش را خاموش کردم تا گسترده نشود.» این بار آتش زودتر مهار می‌شود ولی نگرانی به دل کسبه می‌اندازد. همسایه کفاش می‌گوید: «الان همه به فکر بیمه کردن افتاده‌اند. حتی خودشان هم به سراغ بیمه رفته‌اند تا مغازه‌شان بازدید و بیمه شود.»

کنتورها جدید می‌شود و سیستم ارت می‌گذارند. آن‌ها که از کم شدن رونق سراهانگران هستند، دلشان نمی‌خواهد همین سرمایه را هم در میان خشم آتش بر باد دهند و دیگر چیزی نباشد که دستشان را بگیرد.

مدیر منطقه ۴ عملیات سازمان آتش‌نشانی شهرداری مشهد از علت حوادث رخ داده در سراهای می‌گوید

سیم‌کشی معیوب

حسین صالح نظرآبادی، مدیر منطقه ۴ عملیات سازمان آتش‌نشانی شهرداری مشهد، ابتدا از اختلاف نام‌های مرسوم بین کسبه، آتش‌نشان‌ها و مردم می‌گوید: «وقتی به اپراتور ۱۲۵ اعلام حریق شد، گفتند سرای کفاش‌ها آتش گرفته، اما منظور سرای شماره ۳ هفده شهریور بود که مادر سازمان آتش‌نشانی، آنجا و ۱۰ سرای دیگر را به بازار سراها می‌شناسیم، با این حال بعد از اعلام حریق، آتش‌نشان‌های ایستگاه ۲۴ به فاصله یک دقیقه در محل مستقر شدند. همچنین ایستگاه‌های کمکی ۲ و ۱۶ و ۲۰ و خودروهای سنگین برای پشتیبانی آب لجستیک از ایستگاه ۶ در محل حاضر شدند.»

مدیر منطقه ۴ عملیات در شبی که در سرای شماره ۳ شعله‌های آتش به جان سه مغازه و اجناس اشتعال‌زای آن‌ها افتاده بود، در محل حادثه حضور داشته است. او از حریق بزرگی می‌گوید که اگر جلوی آن را در روز سه‌شنبه، ۲۶ دی نمی‌گرفتند، حتماً اجناس اشتعال‌زای همه کسبه را به خاکستر تبدیل می‌کرد: «این حریق، گسترده نبود اما اگر همکارانم جلوی پیشروی آن را نمی‌گرفتند، ۱۰۰ درصد زبانه‌های آتش با سرعت فاجعه می‌آفریدند.»

او توضیح می‌دهد: «برخی مغازه‌های سراها، دود دارند؛ یک شیشه سکوریت که داخل سراسر است و یک در روایی که در حاشیه پیاده‌رو قرار دارد. این آتش‌سوزی از در بیرون آغاز شده بود و جای شکر داشت که قابل مشاهده بود، زیرا در ساعت ۲۱:۴۱ که اطفای حریق را شروع کردیم، حتی صاحب همان مغازه در محل نبود و سایر کسبه محل با هوشیاری، حریق را اعلام کردند. عملیات اطفای حریق با استقرار تیم اعزامی اول، در داخل سرا و استقرار تیم دوم در حاشیه پیاده‌رو شروع شد.»

بعضی مکان‌ها برای آتش‌نشانان جزو مکان‌های خاص و پرخطر هستند؛ مثل سراهای هفده شهریور و بازار رضا که هم دارای سیم‌کشی‌های قدیمی‌اند و هم با تغییر کاربری‌های ایجادشده، احتمال بروز حادثه در آن‌ها بیشتر است. صالح با بیان اینکه اطفای حریق مغازه‌های سرای ۳ یک ساعت و ۳۳ دقیقه زمان برد، می‌گوید: «بعضی حریق‌ها احتمال گسترش دارند؛ به همین دلیل تا آخرین لحظه اطفاء و پایان کاوش حریق که برای خارج کردن لکه‌های آتش و خاکسترهای به‌جامانده در محیط بود، نیروها در محل بودند.» بیشتر از اینکه دنبال سوابق آتش‌سوزی در سراهای هفده شهریور باشیم، باید پیرسیم در چهار حریق رخ داده در این سراها که مدیر منطقه ۴ عملیات از آن یاد می‌کند، علت چه بوده است. صالح در چند کلمه می‌گوید: «سیم‌کشی‌های فرسوده، روکار و غیراصولی.»

همین بی‌توجهی‌ها در شرایطی که بیشتر کسبه در واحدهای تجاری‌شان تغییر کاربری داده‌اند، می‌شود بلا. شما فرض کنید کاربری قبلی مغازه‌ای، کارگاه خیاطی بود با سیم‌کشی‌ای متناسب با همان کار ولی اکنون تبدیل به فروشگاه شده است با ساعت کار بیشتر که نیاز به روشنایی و گرمایش بیشتری هم دارد. طبق توضیح‌های مدیر منطقه ۴ عملیات، بازدیدهای دوره‌ای از سراها و بازار رضا انجام شده و تذکراتی برای رفع خطر و مشاوره‌هایی برای جلوگیری از بروز خطر به کسبه داده شده است. اگر چه برخی کسبه سراها را بازدید ممانعت کردند، سایر موارد ناایمن به اطلاع بازاریان رسیده است به این امید که دیگر در مکان‌های وسیع، پرجمعیت و دارای مواد اشتعال‌زای بسیار چون سراهای هفده شهریور دیگر شاهد سوختن نباشیم. این بار خوشبختانه خسارت جانی نداشتیم ولی حادثه خبر نمی‌کند.

معنی ما از آتش، خطرات بدي دارد. زمستان گذشته، ما فرو ریختن در خانه پلاسکو به دادمان برسد و چند نفر از عزیزان آتش‌نشان را به ارا نقش بر آب کرد. از آن طرف از سوختن سانچی در میان آب، زمان نوس رفتند تا از آن‌ها فقط خاطره‌شان به ما برسد. اصلاً چرا راه دور‌های که برای مدتی شهر را قفل کرد و با کمک ۲۵۰ آتش‌نشان در چهار آن وقتی که پای جشن چهارشنبه‌آخر سال در میان است، گوشمان نمی‌دیم؟ خوشی ما را به تلخ‌گامی تبدیل کند. همین است که وقتی بیم می‌گوییم خدا به‌خیر بگذرد آتش این بار به جان لباس‌های نو مانده تا عید نوروز برای همیشه بر دلمان بماند اما خوشبختانه آتش چراها را بر دلمان سنگین کند؛ چراهایی که هیچ‌وقت پاسخ داده وقتی چشم‌مان به خبر می‌افتد، احساس می‌کنیم خبری تکراری برای کفش افتاده بود تا بر ایمان تبدیل به هشدار شود. درست است و تادر مرکز کفش و لباس و تریکو، باز داغ دیگری بر دل‌هایمان نماند. ه‌شهر یور خاموش کردند و این اتفاق، ما را به فکر فرو برد؛ به همین فکر است اگر حواسمان نباشد.



از فیوزهای مطمئن استفاده شود.

نوع و قطر کابل با جریان مصرفی متناسب باشد.

اطرف کنتورهای برق از مواد اشتعال‌زا خالی باشد، زیرا در زمان آتش‌سوزی، مذابه‌ها روی اجناس می‌ریزد و حریق را گسترش می‌دهد.

